Journal of Research in Budget and Finance

Investigating the Role of Corporate Governance Quality on the Relationship between Social Responsibility of Companies and Tax Avoidance

Mehdi Khorramabadi [1] | Soheila Lashkarra [2] | Neda Pour Gholamreza [3]

1

Vol. 3
Spring 2022

Research Paper

Received:
12 February 2022
Accepted:
12 March 2022
P.P: 97-125

Abstract

The social responsibility of companies is one of the most effective components of business ethics that deals with the role of companies in the community. Social responsibility for companies is a set of duties and obligations that the company must fulfill to maintain, care and assist the community in which it operates. This study examines the relationship between corporate social responsibility and tax avoidance, emphasizing the role of corporate governance quality in accepted companies in Tehran Stock Exchange. This research is an applied and descriptive research. The statistical population of the study consists of companies listed in the Tehran Stock Exchange over a period of 2014-2019, which was determined by the systematic removal method, as the statistical sample of 127 companies. To test the research hypotheses, the multifunctional regression method is used using combined data. The results show that there is a negative and significant relationship between the performance of the company's social responsibility and tax avoidance. The quality of corporate governance also plays a mediator in the relationship between the performance of the company's social responsibility and tax avoidance.

Keywords: Corporate Governance, Social Responsibility, Tax Avoidance, Response Commitment.

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, Economics, and Accounting, Tehran Payam Noor University, Tehran, Iran.
Mehdi.khorramabadi@gmail.com
2. Instructor, Department of Accounting , Faculty of Management, Economics, and Accounting, Tehran Payam Noor University, Tehran, Iran.
3. Instructor, Department of Accounting , Faculty of Management, Economics, and Accounting, Tehran Payam Noor University, Tehran, Iran.

نشریه پژوهش‌های راهبردی بودجه ومالی

۵

سال سوم

بهار ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۰/۱۱/۲۳
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۰/۱۲/۲۱
صص: ۱۲۵-۹۷

بررسی نقش کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی

مهدی خرم آبادی[۱] | سهیلا لشگرآراء[۲] | ندا پورغلامرضا [۳]

چکیده

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها از مؤلفه‌های اثرگذار مرتبط با اخلاق کسب‌وکار است که به نقش شرکت‌ها در حوزه اجتماع می‌پردازد. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مجموعه وظایف و تعهداتی است که شرکت بایستی در جهت حفظ، مراقبت و کمک به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند، انجام دهد. این پژوهش به بررسی ارتباط بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادر تهران می‌پردازد. این پژوهش از نوع کاربردی و توصیفی پس رویدادی است. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۳ می‌باشد که با استفاده از روش حذف سیستماتیک، تعداد ۱۲۷ شرکت به‌عنوان نمونه آماری تعیین گردید. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از روش رگرسیون چندمتغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین کیفیت حاکمیت شرکتی نقش میانجی در رابطه بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت و اجتناب مالیاتی دارد.

کلیدواژه‌ها: حاکمیت شرکتی؛ مسئولیت اجتماعی؛ اجتناب مالیاتی؛ مسئولیت پاسخگویی.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
Mehdi.khorramabadi@gmail.com
۲. مربی، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری، حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

مقدمه

امروزه جایگاه واحدهای تجاری در اجتماع، تغییرات بسیار زیادی کرده است. مبتنی بر تئوری ذینفعان انتظار می‌رود که عملکرد واحدهای تجاری صرفاً در راستای حداکثرسازی سود و ثروت سهامداران خود نباشد، بلکه آن‌ها در مقابل جامعه نیز مسئولیت پاسخگویی داشته و در تعامل با جامعه باید مفید باشند؛ بنابراین یک ارتباط دوطرفه بین واحد تجاری و اجتماع وجود دارد. همچنین اجتناب و فرار مالیاتی شرکت‌ها نیز از جمله موضوعات مهمی است که به یک مسئله و دغدغه قانونی و مدنی در جامعه تبدیل شده است؛ زیرا مالیات یکی از عمده‌ترین منابع درآمدی دولت است که علاوه بر تأمین منابع مالی موردنیاز دولت، به توزیع عادلانه و بهتر درآمد و ثروت کمک می‌کند. اصولاً مالیات یکی از ابزارهای مؤثر تصمیم‌گیری در سیاست‌های مالی دولت است که دولت با استفاده از آن هم در متغیرهای کلان اقتصادی مانند رشد اقتصادی، تورم و بیکاری و هم در تخصیص منابع و توزیع درآمد اثر مطلوبی می‌گذارد (یاراحمدی و همکاران، ۱۴۰۰). در این راستا، جامعه در پی پاسخ این سؤال است که آیا شرکت‌ها و افراد، مالیات عادلانه خود را در برابر هزینه‌های اجتماعی که برایشان صرف شده است، پرداخت می‌کنند. همچنین سهامداران شرکت‌ها علاقه‌مند هستند که بدانند آیا مدیریت شرکت به‌صورت قانونی مسئولیت خود را در برابر افزایش سود و ثروت سهامداران انجام می‌دهد. علاوه بر این آن‌ها می‌خواهند بدانند که آیا مدیریت شرکتی که در پرداخت مالیات، دولت را فریب می‌دهد، ممکن است آن‌ها را نیز در سایه سیاست‌های مدیریتی فریب دهد؛ بنابراین آگاهی از مسئولیت اجتماعی شرکت و ایفای آن هم برای خود واحد تجاری و هم برای اجتماع سودمند خواهد بود و منجر به ارتقای سطح مسئولیت پاسخگویی خواهد شد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۸).

اجتناب مالیاتی موجب کاهش خروج وجه نقد از شرکت به سوی دولت می‌شود، به همین دلیل از گذشته به‌عنوان یک ارزش برای سهامداران تلقی می‌شود. چشم‌انداز کلی اجتناب مالیاتی بر این نکته دلالت دارد که مدیران فرصت‌طلبی که به دنبال اجتناب از پرداخت مالیات هستند، به‌وسیله ایجاد عدم شفافیت در گزارشگری مالی به دنبال سوءاستفاده‌های مالی هستند و این کار را بیشتر در جهت منافع شخصی خود انجام می‌دهند. شفافیت در گزارشگری مالی سبب تسهیل

نظارت بر عملکرد مدیران از سوی سهامداران می‌شود. در مقابل، عدم شفافیت در گزارشگری مالی، کنترل و نظارت سهامداران بر مدیران را کاهش و زمینه فرصت‌طلبی و منافع شخصی را فراهم خواهد کرد (مرانجوری و علیخانی، ۱۳۹۳). در سایه برنامه‌های اجتناب مالیاتی نباید هیچ هدف دیگری وجود داشته باشد، اما ماهیت مبهم و غیرشفاف برنامه‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند موقعیت‌های مناسبی برای مدیریت فرصت‌طلب در جهت کسب منافع و سوءاستفاده از منابع مالکان را فراهم نماید. به‌عنوان یک راهکار، یک سیستم افشای کارآمد و اثربخش می‌تواند رفتار مدیریت واحد اقتصادی را به مالکان برون‌سازمانی انعکاس دهد تا مدیریت نتواند در سایه فعالیت‌های اجتناب مالیاتی منافع شخصی خود را دنبال کند و جهت‌گیری آن فعالیت‌ها در جهت افزایش ثروت سهامداران انجام گیرد (گوپتا[1]، ۱۹۹۷). در این راستا، طراحی و اعمال مکانیزم‌های درون‌سازمانی حاکمیت شرکتی و توجه و رعایت مکانیزم‌های برون‌سازمانی حاکمیت شرکتی تا حد زیادی می‌تواند سطح مسئولیت پاسخگویی اجتماعی را ارتقا و با افزایش شفافیت، مانع از منفعت‌طلبی شخصی مدیریت گردد؛ لذا این تحقیق به دنبال بررسی نقش کیفیت حاکمیت شرکتی در رابطه بین اجتناب مالیاتی و عملکرد مسئولیت اجتماعی است.

تقاضای روزافزون ذینفعان از شرکت‌ها برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، شرکت‌ها را به درگیر شدن در مسئولیت‌های زیست‌محیطی و اجتماعی تشویق کرده است. منظور از مسئولیت‌های اجتماعی سازمان، پیوستگی و اتحاد میان فعالیت‌ها و ارزش‌های سازمان به‌گونه‌ای است که منافع تمام ذینفعان، شامل سهامداران، مشتریان، کارکنان، سرمایه‌گذاران و عموم جامعه، در سیاست و عملکرد سازمان منعکس شود (مرانجوری و علیخانی، ۱۳۹۳).

با افشای داده‌های حسابداری زیست‌محیطی و اجتماعی، بخش‌های مختلف جامعه می‌توانند موقعیت شرکت را در خصوص حفاظت از محیط‌زیست درک کنند و به بررسی چگونگی توجه سازمان به موضوع‌های زیست‌محیطی و اجتماعی بپردازند. در این وضعیت، حرفه حسابداری نقش به‌سزایی در شفاف‌سازی اثرهای مالی و زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی دارد و باید در خصوص اندازه‌گیری، ارزیابی، افشای عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی در صورت‌های مالی یا پیوست‌های آن پاسخگو باشد (علیخانی و مرانجوری، ۱۳۹۳).

1. Gupta

سان و همکاران[1] (۲۰۱۲) معتقدند که حاکمیت شرکتی مؤثر به‌منزله سازوکاری برای حل مشکلات نمایندگی، ضمن آنکه می‌تواند کمیت و کیفیت افشا را افزایش دهد، بر افشای مسئولیت‌های اجتماعی نیز می‌افزاید. یافته‌های مطالعات گذشته نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران به افشای مسئولیت‌های اجتماعی شرکت نیازمند هستند؛ زیرا حاوی اطلاعاتی هستند که در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری‌شان اثرگذار است. سرمایه‌گذاران نهادی وقتی در مورد حفظ یا انتقال سهامشان در یک شرکت معین تصمیم می‌گیرند، از افشای مسئولیت‌های اجتماعی همچون یک منبع اطلاعاتی مهم استفاده می‌کنند؛ بنابراین مدیران برای جذب سرمایه‌گذاران، باید هنگام تهیه گزارش‌های سالانه شرکت، به افشای فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت، همچون ابزار مؤثری برای ارتباط با سرمایه‌گذاران از جمله سرمایه‌گذاران نهادی نگاه کنند (صالح و همکاران[2]، ۲۰۱۰).

مبتنی بر تئوری مشروعیت، بین واحدهای انتفاعی و جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند به‌صورت اجتماعی قراردادی ایجاد می‌شود؛ بنابراین انتظار بر این است که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی حاکم بر شرکت که شامل مجموعه‌ای از قواعد ناظر بر هدایت و کنترل شرکت‌ها می‌باشند، بتوانند بر ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تأثیرگذار باشند. افشای اطلاعات حاکمیت شرکتی و افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی، روش‌های مدیریت مشروعیت شرکت می‌باشند. حاکمیت شرکتی نه‌تنها بر محتوای اصلی مسئولیت اجتماعی شرکت اثر می‌گذارد، بلکه بر کیفیت افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد. دلیل اینکه شرکت‌ها مایل به افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی هستند، تولید واکنش‌های مثبت بازار است که برای افزایش مشروعیت سازمانی شرکت مفید است. علاوه بر این، شرکت‌هایی که داوطلبانه اطلاعات مربوط به مسئولیت اجتماعی خود را افشا می‌کنند، تعهدات اخلاقی خود را نیز تأیید می‌کنند (حاجیها و شاکری، ۱۳۹۸).

بنابراین، با وجود حاکمیت شرکتی و با توجه به رفتارهای متفاوت شرکت‌ها و وجود نتایج مختلف و متنوع، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا وجود حاکمیت شرکتی تأثیری بر رفتار شرکت‌ها دارد یا خیر. بااین‌حال، نادیده انگاشته شدن این موضوع در عمده مطالعه‌های

1. Sun, Yai and Lin
2. Saleh et al

داخلی و وجود یک فضای خالی در ادبیات حسابداری و مالیاتی، به ایجاد انگیزه‌ای برای انجام پژوهش حاضر منجر شد؛ ازاین‌رو، هدف پژوهش حاضر آن است که به یک رابطه سه‌بعدی متشکل از مسئولیت اجتماعی شرکتی، اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی بپردازد و درصدد پاسخ به این سؤال است که «کیفیت حاکمیت شرکتی در رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی چه نقشی دارد؟»

با توجه به ملاحظات خاص سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی کشور ما و تفاوت‌های موجود در این زمینه با سایر کشورها، نمی‌توان نتایج مطالعات سایر کشورها و از جمله کشورهای توسعه‌یافته را به کشور ما تعمیم داد. بر این اساس این تحقیق درصدد بررسی نقش کیفیت حاکمیت شرکتی در رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی در شرایط محیطی کشور است.

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند موجب بسط مبانی نظری پژوهش‌های گذشته شود و به توسعه ادبیات حسابداری و مالیاتی ، کمک نماید. همچنین، پژوهش حاضر، ضمن پاسخگویی به سؤال پژوهش، درصدد درک نقش تعهد اجتماعی در زمینه روش‌های صرفه‌جویی مالیاتی و نیز بررسی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی در این زمینه است و نشان خواهد داد که حاکمیت شرکتی چه تأثیری بر رفتار اقتصادی و اخلاقی شرکت‌ها می‌گذارد که این موضوع به‌عنوان دستاورد علمی می‌تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری قرار دهد.

مبانی نظری

مسئولیت اجتماعی

در سال‌های اخیر توجه جامعه نسبت به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها افزایش یافته است. یکی از عوامل ضروری تداوم فعالیت واحدهای تجاری به دلیل ارتباط با جامعه و اینکه جامعه شرایط بقاء و تداوم فعالیت شرکت‌ها را فراهم می‌کند و به آن مشروعیت می‌بخشد، ایفای مسئولیت‌پذیری

اجتماعی شرکت‌ها و افشائیات مرتبط با آن است. ازآنجاکه با بزرگ‌تر شدن شرکت‌ها، جامعه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر عملکرد و فعالیت شرکت‌ها قرار می‌گیرد، بنابراین ایفا و ارزیابی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌عنوان جزء لاینفک عملکرد واحدهای تجاری پذیرفته شده است. مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با روابط بین شرکت‌ها و جامعه سروکار دارد و به‌طور مشخص این مفهوم به بررسی تأثیر فعالیت‌های شرکت‌ها روی افراد و جامعه می‌پردازد (امیدوار، ۱۳۸۵). مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، وسیله‌ای برای بحث درباره تعهداتی است که یک سازمان باید نسبت به جامعه خود داشته باشد. همچنین ابزاری است که به کمک آن منافع دوجانبه سازمان و جامعه از طریق ایجاد یک رابطه برد - برد و خلق ارزش مشترک هم برای جامعه و هم برای بنگاه، تأمین می‌شود. به‌طور خلاصه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارتباط یک سازمان با ذی‌نفعانش تأکید می‌کند (کادبری[1]، ۱۹۹۲).

کلارک و نیومن معتقدند اگر هدف سازمانی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی باشد، در آن شرایط ضرورت‌هایی از جمله سیاست‌گذاری اقتصادی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به‌عبارت‌دیگر، سیاست‌گذاری اقتصادی نه‌تنها بستر شکل‌گیری رفاه و امنیت اجتماعی را فراهم می‌سازد، بلکه یکی از عوامل بنیادین در ارتقای قابلیت اقتصادی کشور محسوب می‌شود. اگر سازمان‌ها نتوانند در فرآیند سیاست‌گذاری اقتصادی به اهدافی همانند رفاه اجتماعی و ارتقای درآمدهای مالیاتی دست یابند، دچار بی‌مسئولیتی اجتماعی خواهند شد (کلارک و نیومن[2]، ۱۹۹۷).

اجتناب مالیاتی

فارغ از دغدغه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی، یکی دیگر از دغدغه‌های همیشگی شرکت‌ها سهم مالیات در هزینه‌های شرکت است. مالیات متعلقه به سود شرکت‌ها، یک هزینه قابل‌توجهی را به شرکت و سهامداران تحمیل می‌کند. تحت قوانین موجود مالیاتی، شرکت‌های تجاری بخش قابل‌توجهی از سود حاصله خود را باید به دولت پرداخت کنند که این موضوع باعث کاهش درآمد مالکان می‌شود و این امر رغبت سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. مدیریت

1. Cadbury
2. Clarke and Newman

شرکت برای کاهش انتقال منابع مالکان به دولت و تعدیل هزینه مالیات متعلقه به سود، اقدام به اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی جهت تعدیل انتقال منابع از سهامداران به دولت می‌کنند؛ و این امر منجر به افزایش ثروت و بازده مالکان خواهد شد. (دسای و دارماپالا[1]، ۲۰۰۶).

مدیران واحدهای اقتصادی اغلب جهت منفی نگه‌داشتن سود واقعی شرکت از ممیزین مالیاتی سعی می‌کنند اهداف اصلی فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را مبهم و غیرشفاف نشان دهند. فضای مبهم و غیرشفاف که برنامه‌های اجتناب مالیاتی ایجاد می‌کند، می‌تواند یک سپری برای مدیران و سهامداران نهادی ایجاد کند تا برنامه‌های واحد تجاری را در جهت منافع خود طراحی و اجرا نمایند؛ بنابراین جنبه هزینه‌های نمایندگی اجتناب مالیاتی این نکته را بیان می‌کند که احتمال دارد برنامه‌های اجتناب مالیاتی همیشه از طرف مالکان و از جمله سهامداران حقیقی تقاضا نشود. اگر سهامداران برون‌سازمانی بر این اعتقاد باشند که برنامه‌های اجتناب مالیاتی با منافع مدیریت همسویی داشته باشد، کاهش قیمت سهام واحد تجاری، منافع ذخیره‌شده ناشی از اجتناب مالیاتی را خنثی خواهد کرد (میلر، ۲۰۱۳).

حاکمیت شرکتی

بررسی تعاریف و مفاهیم حاکمیت شرکتی حکایت از آن دارد که حاکمیت شرکتی مفهومی چندرشته‌ای است که هدف نهایی آن دستیابی به: شفافیت، پاسخگویی، عدالت، (انصاف) و رعایت حقوق ذینفعان است. تعاریف ارائه شده برای حاکمیت شرکتی در یک طیفی ارائه شده‌اند که یک سر آن طیف را دیدگاه‌های محدود (در قالب تئوری نمایندگی و ارتباط شرکت با سهامداران) و آن سوی طیف را دیدگاه‌های گسترده (در قالب تئوری ذینفعان و شبکه‌ای از روابط بین شرکت و جامعه) شکل می‌دهند. مبتنی بر تعریف فدراسیون بین‌المللی حسابداران (آیفک) در سال ۲۰۰۵ که در زمره دیدگاه‌های محدود تلقی می‌شود، حاکمیت شرکتی عبارت از: مسئولیت‌ها و شیوه‌های به کار برده شده توسط هیئت‌مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی که تضمین‌کننده دستیابی به اهداف، کنترل ریسک‌ها و مصرف مسئولانه منابع است.

1. Desai and Dharmapala

بر اساس دیدگاه‌های گسترده، حاکمیت شرکتی را می‌توان مجموعه قوانین، مقررات، نهادها و روش‌هایی تعریف کرد که تعیین می‌کنند شرکت‌ها چگونه و به نفع چه کسانی اداره می‌شوند (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۷).

درهرصورت سیستم حاکمیت شرکتی مجموعه مکانیزم‌های هدایت و کنترلی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی می‌باشد که تعادل مناسب و معقولی میان سهامداران از یک سو و نیازها و اختیارات هیئت‌مدیره از سوی دیگر برقرار می‌نماید. این سیستم حقوق، تعهدات و مسئولیت‌های ذینفعان مختلف شرکت اعم از مدیران، کارکنان، سهامداران و سایر ذینفعانی را که از عملکرد شرکت تأثیر پذیرفته یا بر آن تأثیر می‌گذارند تعیین و مشخص می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، نظام حاکمیت شرکتی ساختاری را فراهم می‌کند که از طریق آن هدف‌های بنگاه تنظیم و ابزار دستیابی به اهداف و نظارت بر عملکردها تعیین می‌شود. این نظام، انگیزه لازم برای تحقق اهداف بنگاه را در مدیریت ایجاد و زمینه نظارت مؤثر را فراهم می‌کند. به‌این‌ترتیب، شرکت‌ها منابع را مسئولانه و با اثربخشی بیشتری به کار می‌گیرند. به‌طورکلی حاکمیت شرکتی پیش از هر چیز، حیات بنگاه اقتصادی را در درازمدت هدف قرار می‌دهد و درصدد است تا از منافع سهامداران در مقابل فرصت‌طلبی مدیریت حفاظت کند (اسماعیل‌زاده مقری و همکاران، ۱۳۸۹).

مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی

همان‌طور که پرداخت مالیات از سوی شرکت‌ها برای جامعه منافعی دارد، این اقدام بر عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت نیز تأثیرگذار خواهد بود (دارابی و همکاران، ۱۳۹۶). از سوی دیگر، اجتناب مالیاتی یا هرگونه اقدامی در راستای استفاده از خلأهای قانونی به‌منظور عدم پرداخت مالیات، ممکن است که بر علیه منافع جامعه باشد. اجتناب مالیاتی ممکن است، تأثیر منفی بر وجهه و اعتبار شرکت به‌عنوان ارزشمندترین دارایی شرکت داشته باشد. در همین رابطه لاندری و همکاران[1] (۲۰۱۳)، معتقدند که صرفه‌جویی مالیاتی ناشی از فرآیند اجتناب مالیاتی به‌مراتب کمتر از هزینه از دست رفتن شهرت و اعتبار شرکت در اثر انجام این فعالیت‌ها است. اعتقاد بر این است که شرکت‌ها باید با صیانت از فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی خود، ضمن حفظ

1. Landry et al

وجهه خود در جامعه، رابطه مثبت خود را با ذینفعان حفظ کنند تا از این طریق، بر ارزش و اعتبار شرکت نزد سهامداران بیفزایند (گادفری[1]، ۲۰۰۵).

سیکا[2] (۲۰۱۰) نیز استدلال می‌کند که اجتناب از پرداخت مالیات یک فعالیت غیراخلاقی است و پیامد آن متوجه دولت‌هاست. پرداخت مالیات کمتر، منجر به کمبود نقدینگی برای زیرساخت‌ها، بهداشت، درمان و آموزش‌وپرورش و در نتیجه کاهش ارائه خدمات اجتماعی است که نهایتاً جامعه متحمل زیان اجتماعی از بابت اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌شود.

حاکمیت شرکتی، مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی

بحث اجتناب مالیاتی به نظر می‌رسد که در مورد شرکت‌های با جدایی مالکیت از مدیریت بیشتر مطرح باشد؛ زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک‌گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه اجتماعی، کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند (الینگهام و سندمو[3]، ۱۹۷۲). در شرکت‌ها سهامداران به‌طور معمول انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی‌که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های مالیاتی، بیشتر از هزینه اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند؛ بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسئله نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند؛ لذا یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیئت‌مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک کلین[4]، ۱۹۷۶). مدیرانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند، معمولاً ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. در این راستا، سیستم حاکمیت شرکتی با اعمال مکانیزم‌های کنترلی، چارچوبی را برای کاهش تضاد مسئله نمایندگی، کاهش فرصت‌طلبی مدیریت و مصرف مسئولانه منابع فراهم می‌کند. ساتوری[5]

1. Godfrey
2. Sikka
3. Allingham and sandmo
4. Jensen and Meckling
5. Satori

(۲۰۰۸) بیان می‌کند که واکنش‌های بین حاکمیت شرکتی و مالیات به‌صورت متقابل است. در حقیقت از یک سو قواعد حاکمیت شرکتی تأثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آن‌ها به استراتژی مالیاتی (از دیدگاه شرکت) می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد. به‌عبارت‌دیگر، حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش سطح اجتناب مالیاتی می‌شود (دسای و همکاران[1]، ۲۰۰۷). اجتناب مالیاتی، منافع نهایی سپر مالیاتی بهره را کاهش می‌دهد و ممکن است روی تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه نیز تأثیرگذار باشد (گراهام[2]، ۲۰۰۶).

در سال‌های بعد از رسوایی انرون و سایر شرکت‌های بزرگ دیگر، عمدتاً تمرکز نسبی راهبری شرکتی (حاکمیت شرکتی) از روی تناقضات مربوط به مسئله نمایندگی به ابعاد اخلاقی، پاسخگویی، رعایت حقوق ذینفعان و شفافیت تغییر یافته است. ازاین‌رو، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌طور فزاینده‌ای روی راهبری شرکت به‌عنوان ابزاری برای دغدغه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی در فرآیند تصمیم‌گیری تمرکز یافته است. در حال حاضر، حاکمیت شرکتی در تعامل پویا با رویه‌های تجاری و عمومی شرکت‌ها که در راستای امتداد روابط مطلوب با ذی‌نفعان است، می‌باشد. به همین علت، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در کانون توجه سیستم‌های حاکمیت شرکتی به‌عنوان ابزاری برای الزام مدیران به رعایت و افشای ملاحظات اخلاقی و اجتماعی در راستای تئوری ذینفعان بیش‌ازپیش موردتوجه و تأکید قرار گرفته است. ازاین‌رو، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تلاشی است تا از طریق حاکمیت شرکتی به‌عنوان چارچوبی برای اعمال شفافیت در راستای رعایت حقوق و منافع سایر ذینفعان استفاده کند. تمایز بین راهبری شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در چشم‌انداز اقتصاد جهانی دشوار شده است و همگرایی این دو مقوله در تغییرات اجتماعی، تجاری و مقرراتی در بازارهای در حال گذار بسیار مشهود است و مباحث بسیاری درباره ظرفیت‌ها و محدودیت‌های هر یک در قالب پاسخگویی مطرح است (حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۲).

1. Desai et al
2. Graham

پیشینه پژوهش

عبدالفتاح و احمد[1] (۲۰۲۰)، پژوهشی تحت عنوان «اجتناب مالیاتی، حاکمیت شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکت» را انجام دادند. در این پژوهش رابطه بین اجتناب از مالیات، حاکمیت شرکتی و افشای مسئولیت اجتماعی شرکت (CSR) و همچنین تأثیر CSR بر بازده بازار سهام شرکت‌های مصری برای بازه زمانی ۲۰۱۶- ۲۰۰۷ موردبررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی با افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی ارتباط مثبت دارد. همچنین مشاغل دارای یک هیئت‌مدیره خانوادگی، افشای CSR بیشتری را ارائه می‌دهند. سرانجام، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که افشای CSR بالاتری دارند، بازده سهام بیشتری دارند که نشان می‌دهد CSR ارزش افزایشی دارد.

هوزینوف و کلام[2] (۲۰۱۲)، در بررسی ارتباط اجتناب مالیاتی، مدیریت مالیات و مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها دریافتند که آثار متقابل انتظارات اجتماعی با دستمزد مدیریت مالیات با استفاده از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و مبتنی بر استانداردهای حسابداری، اثر مثبتی دارد، درحالی‌که اثر متقابل اقتدار حاکمیت شرکتی و تنوع‌بخشی با دستمزدهای مدیریت مالیات با نرخ مؤثر مالیات نقدی، اثر منفی دارد.

هوی و همکاران[3] (۲۰۱۳)، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با اجتناب مالیاتی همراه است یا نه. نتایج بیانگر این بود که شرکت‌های با فعالیت غیرمسئولانه، به‌احتمال‌زیاد بیش‌ازحد به دنبال اجتناب مالیاتی هستند.

واتسون[4] (۲۰۱۵)، تأثیر عملکرد درآمدی را بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی بررسی کرده و نشان داده است زمانی که عملکرد درآمدی فعلی (آتی) پایین است، رابطه اجتناب مالیاتی و مسئولیت اجتماعی، تأثیر مثبت دارد و زمانی که عملکرد فعلی (آتی) بالا باشد، این تأثیر کاهش می‌یابد.

---

1. Abdelfattah and Ahmed
2. Huseynov and Klamm
3. Hoietal
4. Watson

خوشکار و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی نقش تعدیلگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که بین کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، این رابطه منفی و معنی‌دار را تقویت می‌کند. آن‌ها بیان کردند که رابطه حاکمیت شرکتی با اجتناب از مالیات تحت تأثیر تئوری نمایندگی است. در این راستا، مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی توانسته‌اند به کاهش مشکل نمایندگی و بهبود شفافیت اطلاعات کمک کنند؛ یعنی می‌توان گفت در شرکت‌هایی که در آن‌ها نظام راهبری مؤثری بر وظایف هیئت‌مدیره، ساختار مالکیت، کمیته‌های حسابرسی و... حاکم بوده است که دلیل تعهد به ارائه اطلاعات شفاف و متناسب با نیازهای ذینفعان و همچنین در راستای اهداف شرکت و ارائه صورت‌های مالی معتبر، شرکت‌ها کمتر اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات کرده‌اند.

رضایی پیته نوئی و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی به‌عنوان یکی از ساختارهای مالکیت بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج پژوهش با توجه به نظریه ذینفعان نشان می‌دهند که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج نشان دادند مالکیت خانوادگی، مطابق با نظریه ثروت اجتماعی- عاطفی و همسویی منافع بین مدیران و مالکان و مسائل نمایندگی کمتر در آن، رابطه منفی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تعدیل (تشدید) می‌کند. نتایج آزمون تحلیل حساسیت نیز نشان دادند استفاده از معیار جایگزین برای سنجش اجتناب مالیاتی نیز تأثیری بر نتایج اصلی پژوهش ندارد و نتایج پژوهش از استحکام برخوردار است.

دارابی و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» انجام دادند و آزمون فرضیات پژوهش نشان داد که اگر شرکت دارای مسئولیت اجتماعی باشد، میانگین اجتناب از مالیات و میانگین ارزش‌افزوده اقتصادی آن‌ها کم‌تر خواهد شد و بالعکس اگر شرکتی دارای مسئولیت اجتماعی نباشد، میانگین اجتناب از مالیات و میانگین ارزش‌افزوده

اقتصادی آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت. اندازه شرکت نیز بر میزان اجتناب از مالیات دارای تأثیر معناداری بود و هرچه اندازه شرکت بزرگ (کوچک) باشد، میزان اجتناب از مالیات نیز افزایش (کاهش) خواهد یافت. اندازه شرکت و بازده دارایی‌ها بر میزان ارزش‌افزوده اقتصادی شرکت‌ها دارای تأثیر معنادار است. متغیرهای اهرم مالی و نسبت ارزش بازاری به ارزش دفتری تأثیر معناداری بر اجتناب از مالیات و ارزش‌افزوده اقتصادی نداشتند.

حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی، تأثیر ابعاد مختلف مسئولیت اجتماعی بر اجتناب و فرار مالیاتی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مسئولیت اجتماعی بر اجتناب و فرار مالیاتی تأثیر معناداری دارد.

الهیاری و همکاران (۱۳۹۷)، به بررسی اثربخشی ابعاد حاکمیت شرکتی بر رابطه مسئولیت‌های اجتماعی و عدالت مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که تمامی متغیرهای حاکمیت شرکتی دارای رابطه مثبت و معنی‌داری بر رابطه مسئولیت‌های اجتماعی و عدالت مالیاتی است و رابطه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و عدالت مالیاتی تحت تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی قرار دارد؛ یعنی هرچه مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بهتر اعمال و اجرا شود، افشای گزارش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نیز بهبود می‌یابد و می‌توان انتظار داشت بار مالیاتی به‌صورت عادلانه‌تری بین مالیات‌دهندگان توزیع خواهد شد.

حساس یگانه و رضایی (۱۳۹۷)، پژوهشی تحت عنوان «مدلی برای تأثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی» انجام دادند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده ارتباط معنادار بین مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت با اجتناب و فرار مالیاتی می‌باشد.

دیانتی و رضاپور (۱۳۹۳)، در تحقیقی به بررسی رابطه اخلاق شرکتی، مسئولیت اجتماعی و ماکیاولیسم با فرار مالیاتی پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین میزان اعتقاد مدیران مالی به اخلاق شرکتی و پذیرش مسئولیت اجتماعی و میزان مخالفت آن‌ها با برنامه‌های فرار مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد؛ اما بین میزان مخالفت مدیران مالی با برنامه‌های فرار مالیاتی و میزان مشارکت آن‌ها در برنامه‌های فرار مالیاتی، رابطه منفی وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

این پژوهش به بررسی نقش کیفیت حاکمیت شرکتی در رابطه بین اجتناب مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت می‌پردازد. در راستای دستیابی به اهداف پژوهش و با توجه به مبانی نظری ذکر شده فرضیه‌های پژوهش به شکل زیر بیان می‌شوند:

فرضیه اول: بین عملکرد مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: کیفیت حاکمیت شرکتی رابطه بین عملکرد مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع توصیفی و بر اساس ماهیت و روش از نوع همبستگی است. با توجه به اینکه این پژوهش می‌تواند در فرآیند تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران مورداستفاده قرار گیرد، جزو تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود. در پژوهش‌های همبستگی، هدف اصلی مشخص کردن رابطه بین دو یا چند متغیر، اندازه و مقدار آن رابطه است. در این پژوهش جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات، ابتدا از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. به‌این‌ترتیب که اطلاعات موردنیاز جهت تکمیل مبانی نظری پژوهش با مطالعه مقالات و کتب فارسی و لاتین گردآوری گردید. در ادامه، داده‌های پژوهش موردنیاز، از بانک‌های اطلاعاتی «تدبیرپرداز» و «ره‌آورد نوین» و سایت رسمی شرکت بورس اوراق بهادار تهران و دیگر پایگاه‌های اینترنتی مرتبط، برای بازه زمانی شش ساله و بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ استخراج شده است. در نهایت، به‌منظور بررسی و آزمون فرضیات پژوهش مطابق با مبانی نظری، از رویکرد رگرسیونی با استفاده از نرم‌افزار ایویوز استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری پژوهش و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش مشتمل بر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و روش نمونه‌گیری، روش حذفی است. به این صورت که برای تخمین مدل‌های این

پژوهش، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر بوده، جزو نمونه آماری لحاظ می‌شود و آن دسته از شرکت‌هایی که این شرایط را نداشته باشند، از نمونه آماری حذف می‌گردند. شرایط مذکور به شرح زیر می‌باشند:

به‌منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.

در تمامی دوره پژوهش جزو شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باشند.

عضو شرکت‌های واسطه‌گری مالی، هلدینگ‌ها (شرکت‌های مادر) و شرکت‌های لیزینگ نباشند.

وقفه بیش از سه ماهه در نماد معاملاتی نداشته باشند.

جدول ۱. فیلترینگ جامعه آماری

ردیف	فیلتر	تعداد شرکت‌ها
	تعداد کل شرکت‌ها	٦٣٥
١	بعد از سال ۹۳ در بورس پذیرفته شده باشند.	(١٧٨)
٢	دوره مالی شرکت‌ها، منتهی بر ۲۹ اسفند هر سال نمی‌باشد.	(١٣٢)
٣	در تمامی دوره پژوهش جزو شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نباشند.	(٥٦)
٤	جزو شرکت‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گرهای مالی و شرکت‌های لیزینگ) باشند.	(٤٦)
٥	شرکت‌هایی که طی دوره موردنظر نمادشان بیش از ۹۰ روز توقف داشته باشد.	(٩٦)
	شرکت‌های باقی‌مانده	١٢٧

مدل و متغیرهای پژوهش

این پژوهش به دنبال بررسی نقش کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی است. بدین منظور مبتنی بر پژوهش کیم و همکاران[1] (۲۰۱۱)، برزگر و غواصی کناری (۱۳۹۵) و دیلمی و صفری گرایلی (۱۳۹۵)، برای آزمون فرضیه‌ها و سنجش متغیرها از مدل‌های زیر استفاده شده است:

1. Kimetal

بررسی رابطه بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی

مدل (۱)
$$Taxavoid_{it}=\beta_0+\beta_1 CSR_{it}+\beta_2 SIZE_{it}+\beta_3 LEV_{it}+\beta_4 ROA_{it}+\varepsilon$$

بررسی نقش کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی

مدل (۲)
$$Taxavoid_{it}=\beta_0+\beta_1 CSR_{it}+\beta_2 GOV+\beta_3 CSR*GOV+\beta_4 SIZE_{it}+\beta_5 LEV_{it}+\beta_6 ROA_{it}+\varepsilon$$

متغیر وابسته: اجتناب مالیاتی (TAXAVOID)

منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات با استفاده از خلأهای قانونی است که با استفاده از مقیاس‌های نرخ مؤثر مالیات دفتری و نرخ مؤثر مالیات نقدی اندازه‌گیری می‌شود. در این پژوهش برای محاسبه این متغیر، از روش پژوهش کیم و همکاران (۲۰۱۱)، بهره گرفته شده است:

$$\text{TAXAVOID} = \frac{\text{مالیات نقدی پرداختی}}{\text{سود قبل کسراز مالیات}}$$

متغیر تعدیلگر: کیفیت حاکمیت شرکتی (GOV)

ابتدا مطابق با پژوهش دیلمی و صفری گرایلی (۱۳۹۵)، چک‌لیستی متشکل از ۱۷ مؤلفه مرتبط با راهبری شرکتی تهیه و در سه سرفصل کلی: شاخص هیئت‌مدیره (۶ مؤلفه)، شاخص حقوق سهامداران (۵ مؤلفه) و شاخص شفافیت (۶ مؤلفه) طبقه‌بندی می‌شود. سپس به‌منظور عملیاتی نمودن هر یک از این شاخص‌ها، از روش کدگذاری و امتیازدهی استفاده می‌شود. بر اساس این روش به هر یک از مؤلفه‌های راهبری شرکتی، امتیاز صفر و یا یک (با توجه به تعریف عملیاتی آن‌ها) اختصاص یافته و از جمع زدن این امتیازها، نمره مربوط به هریک از شاخص‌های برای هر شرکت در هر سال محاسبه می‌شود. فهرست مؤلفه‌های راهبری شرکتی به تفکیک شاخص ترکیب هیئت‌مدیره، شاخص حقوق سهامداران و شاخص شفافیت اطلاعاتی به شرح جدول زیر است:

جدول ۲. فهرست مؤلفه‌های راهبری شرکتی

سرفصل	نام مؤلفه	تعریف عملیاتی
شاخص هیئت‌مدیره	استفاده از اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره	بیشتر بودن نسبت اعضای غیرموظف نسبت به کل اعضا از میانگین نسبت محاسبه‌شده برای کل شرکت‌ها، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	تفکیک نقش مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره	عدم تفکیک نقش مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	ثبات مدیرعامل	تغییر مدیرعامل شرکت در دو سال گذشته، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	استفاده از متخصص حسابداری و مالی	عدم استفاده از متخصص حسابداری و مالی، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	غیرموظف بودن رئیس هیئت‌مدیره	موظف بودن رئیس هیئت‌مدیره، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	تعداد جلسات هیئت‌مدیره	عدم اشاره به تعداد جلسات هیئت‌مدیره در گزارش سالیانه شرکت، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
شاخص حقوق سهامداران	وجود سهامداران دارای حق کنترل	عدم وجود سهامداران دارای حق کنترل، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	تمرکز مالکیت	بیشتر بودن درصد سهام شناور آزاد شرکت از میانگین سهام شناور آزاد کل شرکت‌ها، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	ساختار مالکیت	عدم اشاره به ساختار مالکیت در گزارش سالیانه شرکت، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	معاملات با اشخاص وابسته	بیشتر بودن نسبت معامله با اشخاص وابسته به فروش شرکت از میانگین درصد کل شرکت‌ها، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	سهامداری دولت	کمتر بودن درصد مالکیت دولت در شرکت از میانگین درصد کل شرکت‌ها، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک

سرفصل	نام مؤلفه	تعریف عملیاتی
شاخص شفافیت اطلاعاتی	وجود وب‌سایت اینترنتی	در صورت عدم وجود وب‌سایت اینترنتی برای افشای اطلاعات شرکت، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	زمان‌بندی تهیه اطلاعات	شرکت‌هایی که امتیاز اطلاع‌رسانی آن‌ها کمتر از ۵۰ باشد، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	قابلیت اتکای اطلاعات	شرکت‌هایی که دارای تعدیلات سنواتی هستند، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	نوع اظهارنظر حسابرس	شرکت‌هایی که اظهارنظر غیر مقبول از حسابرس دریافت کرده‌اند، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	برنامه‌های آتی	عدم اشاره به برنامه‌های آتی شرکت در گزارش سالیانه، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک
	گزارش استخدام و اشتغال	عدم اشاره به وضعیت استخدام و اشتغال کارکنان، عدد صفر و در غیر این صورت عدد یک

بر اساس جدول فوق (دیلمی و صفری گرایلی، ۱۳۹۵):

$$GOV_{it}=BORAD_{it}+RIGHTS_{it}+DISC_{it}$$

که در آن کیفیت سازوکارهای راهبری شرکتی (GOV_{it}) به شرح ذیل تعریف شده است:

شاخص‌های هیئت‌مدیره ($BORAD_{it}$): درصورتی‌که حداقل یک مؤلفه داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر.

شاخص‌های حقوق سهامداران ($RIGHTS_{it}$): درصورتی‌که حداقل یک مؤلفه داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر.

شاخص‌های شفافیت اطلاعاتی ($DISC_{it}$): درصورتی‌که حداقل یک مؤلفه داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر.

بر این اساس کیفیت حاکمیت شرکتی، در دامنه حداقل صفر و حداکثر ۳ قرار می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی

به‌منظور کنترل سایر متغیرهایی که به نحوی در تجزیه‌وتحلیل مسئله تحقیق مؤثرند، متغیرهای کنترلی لازم با توجه به پژوهش‌های مرتبط پیشین مورداشاره، به شرح زیر تعیین شدند:

اندازه شرکت (Size): برابر است با لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های پایان دوره.

اهرم مالی (LEV): برابر نسبت کل بدهی به کل دارایی‌های پایان دوره.

بازده دارایی (ROA): برابر است با نسبت سود خالص به جمع دارایی‌های پایان دوره.

در این پژوهش، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون مدل رگرسیون چندمتغیره با تکیه بر رویکرد ترکیبی داده‌ها استفاده می‌شود. همچنین فروض کلاسیک الگوهای رگرسیون خطی استاندارد شامل نداشتن خودهمبستگی، نرمال بودن متغیرهای تحقیق، پایایی متغیرها در داده‌های ترکیبی و همسانی واریانس در سطح اطمینان ۹۵ درصد آزمون و تائید شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در این قسمت برای ورود به مرحله تجزیه‌وتحلیل اطلاعات، آماره توصیفی داده‌ها شامل شاخص‌های مرکزی، شاخص‌های پراکندگی، انحراف از قرینگی، انحراف از کشیدگی محاسبه گردیده است و در ادامه برخی از فروض کلاسیک نظیر آزمون مانایی متغیرها و آزمون جارک-برا که توزیع نرمال متغیرها را تأیید می‌کند، ارائه گردیده است.

جدول ۳. نتایج آمار توصیفی داده‌های کمی پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
کیفیت حاکمیت شرکتی	۲/۰۰۰	۰/۰۲۹	۳	۰	۰/٤۲۸	۰/۰٦۱	٤/۰۳٥
سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت	۰/۱۰۱۳	۰/۰۲۰۱	۰/٤۱۲	۰/۲۱۳	۰/۲۳۰٥۱	۰/۱۷۷۸۰۱	۲/۸۹۸٤٤۰
سطح افشای عملکرد اجتماعی شرکت	۰/۱۱۲	۰/۰۲۹	۰/٤٤۱	۰/۲۲۳	۰/٤۰۲	۲/٤۱٦۱۰۹	۳۲/٦۳۰۱۹

نام متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
سطح افشای عملکرد زیست‌محیطی	۰/۱۲۷	۰/۰۰۰	۰/۵۲۹	۰/۲۴۳	۰/۲۰۴	۱/۸۰۸۰۰۹	۱۲/۶۴۸۶۱
اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر مالیات نقدی)	-۰/۱۴۶	-۰/۱۳۱	۰/۴۱۲	-۰/۰۳۱	۰/۱۸۴	۱/۳۶۵۲	۱۱/۴۴۷۵۸۴
اندازه شرکت	۱۳/۶۲۷۷۶	۱۳/۶۳۵۰۳	۱۷/۲۱۹۹۶	۴/۲۳۱۴۶۴	۱/۵۳۵۷۳۷	۰/۸۱۲۹۱۰	۳/۹۲۷۷۹۴
اهرم مالی	۰/۶۵۰۳۱۷	۰/۶۵۸۳۰۷	۰/۸۶۶۸۴۸	۰/۳۷۰۹۱۶	۰/۱۴۴۳۴۰	-۰/۲۶۰۲۰	۲/۴۶۹۹۳۸
بازده دارایی	۰/۳۲۴۹۵۰	۰/۳۱۷۹۲۴	۱/۲۳۲۸۷۳	۰/۲۶۳۲۹۲	۰/۵۲۷۸۹۰	۱/۸۱۹۴۳۳	۷/۵۶۶۴۶۲

بر اساس جدول بالا بیشترین میانگین مربوط به‌اندازه شرکت با مقدار **۱۳/۶۲** و کمترین میانگین مربوط به اجتناب مالیاتی با مقدار **۰/۱۴۶**- می‌باشد. همچنین متغیر اجتناب مالیاتی دارای کمترین انحراف معیار با مقدار **۰/۱۸۴** و متغیر اندازه شرکت با مقدار **۱/۵۳** دارای بیشترین انحراف معیار می‌باشد. همچنین میانگین اهرم مالی با مقدار **۰/۶۵** نشان می‌دهد که حدود **۶۵** درصد دارایی‌های شرکت‌های نمونه از طرق استقراض و بدهی، تأمین مالی شده‌اند. میانگین بازده دارایی‌ها نیز نشان می‌دهد که متوسط سودآوری شرکت‌ها تقریباً **۳۲** درصد می‌باشد. همچنین بر اساس مقادیر میانگین، سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت، سطح افشای عملکرد اجتماعی شرکت و سطح افشای عملکرد زیست‌محیطی شرکت، در سطح بالایی نبوده است.

نتایج آزمون F لیمر و هاسمن در جدول **۴** نشان می‌دهد که برای تخمین مدل‌ها از روش داده‌ها تابلویی با اثرات ثابت استفاده می‌شود.

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

شرح	آزمون F لیمر			آزمون هاسمن		
	آماره	P-Value	نتیجه	آماره	P-Value	نتیجه
مدل ۱	۸/۵۵	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۱۳/۲۹	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت
مدل ۲	۸/۵۴	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۱۳/۷۸	۰/۰۰۰۰	اثرات ثابت

در جدول **۵**، به‌منظور اطمینان از نتایج پژوهش و ساختگی نبودن روابط موجود در رگرسیون و معنادار بودن متغیرها، اقدام به انجام آزمون مانایی و محاسبه ریشه واحد متغیرهای پژوهش شده

است. آزمون مزبور با روش‌های آزمون لوین، لین و چو، آزمون ایم، پسران و شین، آزمون ریشه واحد فیشر– دیکی فولر تعمیم‌یافته و آزمون ریشه واحد فیشر- فیلیپس- پرون انجام گردید. جدول زیر نتایج آزمون‌های مانایی متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج حاصل از آزمون مانایی متغیرها

آزمون / متغیر	PP - Fisher Chi-square		ADF - Fisher Chi-square		Im, Pesaran & Shin W-stat		Levin, Lin & Chu t*	
	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره
کیفیت حاکمیت شرکتی	۰/۰۰۰	۴۰۴/۶۴۵	۰/۰۰۲	۲۸۳/۲۷۱	۰/۰۰۰	-۱۰/۵۳۹	۰/۰۰۰	-۴۰/۶۹۵
سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت	۰/۰۰۰	۶۱۴/۴۴۱	۰/۰۰۰	۴۳۵/۷۳۶	۰/۰۰۰	-۲۱/۱۹۸	۰/۰۰۰	-۸۲/۶۵۲
سطح افشای عملکرد اجتماعی شرکت	۰/۰۰۰	۵۲۰/۶۷۳	۰/۰۰۰	۳۳۸/۰۷۳	۰/۰۰۰	-۸/۵۷۶	۰/۰۰۰	-۳۱/۲۹۹
سطح افشای عملکرد زیست‌محیطی	۰/۰۰۰	۶۹۱/۶۴۵	۰/۰۰۰	۴۷۳/۷۰۰	۰/۰۰۰	-۴۶/۳۰۷	۰/۰۰۰	-۱۲۱/۹۸۶
اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر مالیات نقدی)	۰/۰۰۰	۵۶۱/۴۷۵	۰/۰۰۰	۳۶۷/۹۹۶	۰/۰۰۰	۹/۷۰۴	۰/۰۰۰	-۵۵/۲۱۵
اندازه شرکت	۰/۰۰۰	۳۳۱/۵۷۶	۰/۰۷۰	۲۴۹/۵۰۴	۰/۰۰۰	-۱۳/۶۰۰	۰/۰۰۰	-۷۰/۳۱۵
اهرم مالی	۰/۰۰۰	۴۶۱/۱۶۷	۰/۰۱۲	۲۶۷/۷۵۶	۰/۰۰۰	-۵/۲۱۰	۰/۰۰۰	-۲۶/۲۶۶
بازده دارایی	۰/۰۰۰	۴۰۴/۲۴۵	۰/۰۰۲	۲۴۵/۲۴۱	۰/۰۰۰	-۱۰/۵۵۶	۰/۰۰۰	-۴۰/۵۲۱

نتایج حاصل از آزمون مانایی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که همه متغیرها در هر چهار روش لوین، لین و چو، ایم، پسران و شین، فیشر- دیکی فولر تعمیم‌یافته و فیشر- فیلیپس- پرون در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ مانا می‌باشند.

در جدول ۶ نیز، به‌منظور آزمون نرمال بودن جمله خطا از آماره آزمون جارک - برا استفاده شده است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، مقدار احتمال آماره آزمون جارک - برا، در هر دو مدل پژوهش کمتر از ٪۵ می‌باشد؛ بنابراین فرضیه صفر (مبنی بر نرمال بودن جزء خطا) رد می‌شود. با توجه به آنکه آزمون به روش GLS (حداقل مربعات تعمیم‌یافته) انجام شده است؛ لذا می‌توان فرض نرمال نبودن جزء خطا را نادیده گرفت.

جدول ۶. نتایج حاصل از نرمال بودن جمله خطا

شماره مدل	آماره جارک- برا	P-Value	نتیجه
۱	۱۵/٦٥٨٦	۰/۰۰۱۱	نرمال نبودن جزء خطا
۲	۱۳/۲٦٨٤	۰/۰٤۱	نرمال نبودن جزء خطا

تجزیه‌وتحلیل نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش

فرضیه اول: بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

جدول ۷. نتایج حاصل از تخمین مدل اول پژوهش

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	۰/۰۳۹٤٤۱	۰/۰۵۰٦٤۰	۰/۵٤٦۵۲۲	۰/٤۳۱۹
عملکرد مسئولیت اجتماعی	-۰/۰۳٦۹۰٤	۰/۰۰٦۱٤۹	-٦/۰۰۱٦۹۲	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۵۰۵۰۳	۰/۰۰٤۵٦۰	۵/۵٦۵۲۵۵	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	۰/٤۳٤۵۵۹	۰/۰۱۵۵٤۱	۲۵/٤۹۰۰٦	۰/۰۰۰۰
بازده دارایی	-۰/۰۳٤۳۰٤	۰/۰۰۳۹۱۲	-۹/۵۹۱٤۵۰	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین	٪٤۱/۳۰			
ضریب تعیین تعدیل‌شده	٪٤۰/٤۳			
آماره F	۵۳۲/۷۱۱۹			
احتمال (آماره F)	۰/۰۰۰۰			

به‌منظور آزمون فرضیه اول، از نتایج تخمین فرضیه اول که در جدول ۷ ارائه شده، بهره گرفته شده است. با توجه به نتایج این فرضیه، مقدار احتمال (سطح معناداری) آماره F برابر ۰/۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود، یعنی مدل معنی‌دار است. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد، تقریباً ۴۰/۴۳٪ تغییرات متغیر وابسته به‌وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند.

نتایج حاصل نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، کلیه متغیرهای پژوهش معنی‌دار هستند. در حالت کلی، مطابق نتایج تخمین فرضیه اول، سطح معنی‌داری عملکرد مسئولیت اجتماعی، ۰/۰۰۰ می‌باشد و ضریب آن نیز ۰/۰۳۶- می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که فرضیه اول پژوهش تأیید می‌گردد و در واقع عملکرد مسئولیت اجتماعی، اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد.

تجزیه‌وتحلیل نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم: کیفیت حاکمیت شرکتی رابطه بین عملکرد مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

جدول ۸. نتایج حاصل از تخمین مدل دوم پژوهش

متغیر	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	۰/۱۶۵۹۷۹	۰/۰۸۰۷۳۳	۲/۰۵۵۹۰٤	۰/۰٤۰۱
کیفیت حاکمیت شرکتی	-۰/۰۲۱۳	۰/۰۱۳۳۰۳	-۱/٦۰۱۵۰	۰/۵٤۲
عملکرد مسئولیت اجتماعی	-۰/۰۱۰٤۲۱	۰/۰۰۳۷۱۲	-۲/۸۰۷۳٦۳	۰/۰۰۵۲
کیفیت حاکمیت شرکتی* عملکرد مسئولیت اجتماعی	-۰/۳۰۲۷۵۳	۰/۰۲۰۱۳	-۱۵/۰۳۹۵٤	۰/۰۰۰۰
بازده دارایی	-۰/۲۰٦۹۵۲	۰/۰۸۰۲٤۷	-۲/۵۷۸۹۲۸	۰/۰۱۰۱
اندازه شرکت	۰/۰۲۰۳۳۹	۰/۰۰۷۰۱۱	۲/۹۰۱۰۰۵	۰/۰۰۳۹
اهرم مالی	۰/۰۱۵٦۵۱	۰/۰۰۵۹٤۸	۲/٦۳۱۵۱	۰/۰۰۸۸
ضریب تعیین	٪۲۸/۵۲			
ضریب تعیین تعدیل‌شده	٪۲٤/۱٤			
آماره F	۳۱۹/٤۱۵			
احتمال (آماره F)	۰/۰۰۰۰			

به‌منظور آزمون فرضیه دوم، از نتایج تخمین فرضیه دوم مبتنی بر جدول شماره ۸ بهره گرفته شده است. با توجه به نتایج این فرضیه، مقدار احتمال (سطح معناداری) F برابر ۰/۰۰۰۰ بوده و چون این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود، یعنی مدل معنی‌دار است. نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل‌شده نشان می‌دهد، تقریباً ۲۴/۱۴٪ تغییرات متغیر وابسته به‌وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند.

نتایج حاصل نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، کلیه متغیرهای پژوهش معنی‌دار هستند. در حالت کلی، مطابق نتایج تخمین فرضیه دوم، سطح معنی‌داری متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی* عملکرد مسئولیت اجتماعی ۰/۰۰۰ می‌باشد و چون کوچک‌تر از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ می‌باشد،

بنابراین فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می‌گردد. به‌عبارت‌دیگر، کیفیت حاکمیت شرکتی رابطه بین عملکرد مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی ارتباط بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی با تأکید بر نقش راهبری شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادر تهران می‌پردازد. برای این منظور پس از بررسی و تشریح مفاهیم حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، مبانی نظری در خصوص ارتباط مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی و نقشی که کیفیت حاکمیت شرکتی بر این رابطه می‌تواند ایفا کند، بیان گردید. نتایج فرضیه اول پژوهش بیانگر این است که ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری با اجتناب مالیاتی دارد. به‌عبارت‌دیگر هر چقدر که شرکت‌ها دارای مسئولیت اجتماعی بالاتری باشند، میانگین اجتناب از پرداخت مالیات کمتری خواهند داشت و برعکس.

در این راستا هرچند که اجتناب مالیاتی، فعالیتی به‌ظاهر قانونی است و با استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات مورداستفاده قرار می‌گیرد، لکن باید توجه داشت که تمرکز عامدانه و بیش‌ازحد مدیریت بر این خلأهای قانونی در راستای به حداقل رساندن مالیات پرداختی شرکت‌ها، علاوه بر اینکه رفتار اجتماعی غیرمسئولانه‌ای تلقی می‌شود، پیامدی شبیه به فرار مالیاتی که یک نوع تخلف قانونی است را نیز در پی خواهد داشت.

به‌طورکلی می‌توان گفت شرکت‌هایی که در فعالیت‌های مرتبط با مسئولیت‌های اجتماعی مشارکت می‌نمایند، سهم واقعی خود را از مالیات نیز پرداخت نموده و اصولاً کمتر درگیر فرار مالیاتی می‌شوند. از سوی دیگر، تأثیر مثبت رعایت مسئولیت‌های اجتماعی بر عملکرد مالیاتی شرکت‌ها بدان معنا است که شرکت‌هایی که به مسئولیت اجتماعی پایبندتر هستند، بهتر می‌توانند نظر مساعد مشتریان و سرمایه‌گذاران خود را در ارتباط با کیفیت خدمات دریافتی جلب نمایند. در این راستا، الزام به ارائه گزارش‌های مرتبط با مسئولیت‌های اجتماعی مبتنی بر شاخص‌های عملکردی متعدد، بیش‌ازپیش ضروری به نظر می‌رسد (دارابی و همکاران، ۱۳۹۶). نتایج فرضیه

اول پژوهش با نتایج پژوهش لانیس و ریچاردسون[1] (۲۰۱۵)، واتسون (۲۰۱۵)، دارابی و همکاران (۱۳۹۶)، شکرالهی و همکاران (۱۳۹۶) و حساس یگانه و رضایی (۱۳۹۷)، همسو و با نتایج پژوهش رضایی و همکاران (۱۳۹۲) و حسن‌زاده و ایمانی (۱۳۹۴) در تضاد است.

فرضیه دوم پژوهش به بررسی نقش کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی پرداخته است. نتایج پژوهش بیانگر تائید نقش تعدیل‌گر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی بود. به‌عبارت‌دیگر اعمال مکانیزم‌های درون و برون‌سازمانی حاکمیت شرکتی سبب می‌شود که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بیشتر بتواند سبب کاهش سطح اجتناب مالیاتی گردد. این نتایج مبتنی و منطبق بر تئوری ذینفعان نیز می‌باشد. در مطالعات پیشین نیز وجود رابطه مثبت و معنادار بین حاکمیت شرکتی و ایفای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و همچنین رابطه منفی و معنادار بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی، تائید شده بود. نتایج فرضیه دوم این پژوهش نیز با نتایج پژوهش عبدالفتاح و همکاران (۲۰۲۰)، درینگ و همکاران[2] (۲۰۰۸)، رضایی پیته نوئی و همکاران (۱۴۰۰) و الهیاری و همکاران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، به سازمان حسابرسی توصیه می‌گردد که در زمینه تدوین استاندارد حسابداری مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها اهتمام ورزد و از سوی دیگر سازمان بورس و اوراق بهادار با وضع دستورالعمل‌هایی ناشران بورسی را ملزم به افشای شاخص‌های مربوطه نماید. همچنین به سازمان امور مالیاتی توصیه می‌شود که مبتنی بر نتایج پژوهش‌های تجربی انجام شده نسبت به برطرف کردن خلأهای قانونی مربوطه به‌منظور کاهش اجتناب مالیاتی اقدام نمایند.

علاوه بر این، توصیه می‌شود شرکت‌هایی که در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی و فعالیت‌های زیست‌محیطی مشارکت می‌کنند، از مشوق‌هایی مانند تخفیف‌های مالیاتی برخوردار شوند، زیرا چنین فعالیت‌هایی سبب کاهش اجتناب مالیاتی و در نهایت افزایش رفاه اجتماعی می‌گردد. به‌طور طبیعی مدیران شرکت‌هایی که رفتار مسئولانه داشته و مسئولیت پاسخگویی اجتماعی دارند نیز باید

1. Lanis and Richardson
2. Dyrengetal

به‌عنوان مدیران شایسته‌ای که به دنبال فرار مالیاتی نیستند و در تلاش هستند تا از مسیر قانونی اعتبار و ارزش شرکت را افزایش دهند، بایستی موردتوجه فعالان بازار سرمایه قرار گیرند. در ادامه برخی از پژوهش‌های آتی مرتبط با زمینه پژوهشی اخیر، جهت استفاده علاقه‌مندان پیشنهاد می‌گردد:

۱. رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی برحسب اندازه شرکت‌ها و نوع صنعت
۲. رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بازده سهام
۳. تأثیر شاخص‌های کلان اقتصادی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت
۴. انجام تحقیق فوق بر مبنای قانون قدیم و جدید مالیاتی به‌منظور بررسی روند اجتناب مالیاتی

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت اصلی پژوهش حاضر عدم ارائه گزارش عملکرد اجتماعی و عملکرد زیست‌محیطی برخی از شرکت‌ها، به‌عنوان معیارها و شاخص‌های اصلی ارزیابی ایفای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بود؛ لذا اطلاعات برخی از شرکت‌ها به‌منظور آزمون در دسترس قرار نگرفت.

فهرست منابع

اسماعیل‌زاده مقری، علی؛ جلیلی، محمد و زند عباس‌آبادی، عباس (۱۳۸۹). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران. مجله حسابداری مدیریت، ۳(۷)، ۹۱-۷۹.

امیدوار، علیرضا (۱۳۸۵). تعاریف مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها. قابل بازیابی از www.csriran.com

الهیاری، عباس؛ پورزمانی، زهرا و ترابی، تقی (۱۳۹۷). اثربخشی ابعاد حاکمیت شرکتی بر رابطه مسئولیت اجتماعی و عدالت مالیاتی. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۱۱(۳۸، ٤٦-۲۷.

برزگر، قدرت‌اله و غواصی کناری، محمد (۱۳۹۵). مطالعه رابطه سطح افشاری مسئولیت اجتماعی و سیاست تقسیم شود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله دانش حسابداری، ۷(۲٤)، ۱۸۰-۱۵۵.

حاجیها، زهره و شاکری، عبدالرضا (۱۳۹۸). حاکمیت شرکتی، افشای مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت. فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۱(٤٤)، ۱۹۲-۱۷۵.

حساس یگانه، یحیی و برزگر، قدرت اله (۱۳۹۲). ارائه مؤلفه‌ها و شاخص‌های بعد اجتماعی مسئولیت شرکت‌ها و وضعیت موجود آن در ایران. مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۲(۱)، ۲۲۲-۱۹۹.

حساس یگانه، یحیی و رضائی، شهروز (۱۳۹۷). مدلی برای تأثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۵(۵۸)، ۵۸-۲۷.

حساس یگانه، یحیی، بولو، قاسم و رضائی، شهروز (۱۳۹۸). الگویی برای تأثیر ابعاد منتخب مسئولیت اجتماعی شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ٤(٤)، ۱۳۰-۱۱۱.

حسن‌زاده، محمد و ایمانی، سجاد (۱۳۹٤). بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب مالیاتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی.

خوشکار، فرزین؛ اسلامی ساراب، مجید و کرمی، علی (۱٤۰۰). نقش تعدیلگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی. فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵(۸۳)، ٤۰۱-۳۸٤.

دارابی، رؤیا؛ پاشانژاد، یوسف و تدین فرد، اسماعیل (۱۳۹٦). بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری، ٤(۱۵)، ۹۲-٦۷.

دیانتی، زهرا و رضاپور پرورش، زهرا (۱۳۹۳). رابطه اخلاق شرکتی، مسئولیت اجتماعی و ماکیاولیسم با فرار مالیاتی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری. شماره ۹، ۱۳-۱.

دیلمی، صفیه و صفری گرایلی، مهدی (۱۳۹۵). بررسی رابطه کیفیت حاکمیت شرکتی و نوسان بازده سهام. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ٦(۲۱)، ۱۳٦-۱۱۵.

رضایی پیته نویی، یاسر؛ غلامرضاپور، محمد؛ کاظمی، سید پوریا و امیرنیا، نرجس (۱٤۰۰). بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیات: آزمون نظریه ثروت اجتماعی – عاطفی و نمایندگی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۳(۱)، ۹۲-٦۷.

شکراللهی، فاطمه؛ ایزدی نیا، ناصر و سلیمانیان، غلامرضا (۱۳۹٦). تأثیر اجتناب مالیاتی و نظام راهبری شرکتی بر حق‌الزحمه حسابرسی. اولین همایش حسابداری، مدیریت و اقتصاد با رویکرد پویایی اقتصاد ملی، ملایر.

مران‌جوری، مهدی و علیخانی، رضیه (۱۳۹۳). افشای مسئولیت‌های اجتماعی و راهبری شرکتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱(۳)، ۳۴۸-۳۲۹.

یاراحمدی، حسین؛ طاهری نیا، مسعود و گیوکی، ابراهیم (۱٤۰۰). دلایل شکاف بین درآمد مشمول مالیات ابرازی و درآمد مشمول مالیات تشخیصی شرکت‌های غیرتولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری، پیاپی ٤۰، ۷۲۷-۷۰۷.

Abdelfattah, T., & Ahmed, A. (2020). Tax avoidance, corporate governance, and corporate social responsibility: The case of the Egyptian capital market. Journal of International Accounting,

Allingham, Michael G. and sandmo, A. (1972). imcome tax evasion: Atheoretical analysis. Journal of puplic and economics,

Clarke, J. & Newman, J. (1997). The Managerial State Power, Politics and Ideology in the Remaking of Social Welfare. Published London: Thousands Oaks, Calif: Sage.

Cadbury, C. (1992). The Report of the committee on Financial Aspects of Corporate Governance. The Cod of Best Practice, Gee Professional Publishing, London.

Desai, M. A. & Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high powered incentives. Journal of Financial Economics, 79, 145-179.

Dyreng, S. D., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2008). Long-run corporate tax avoidance. The Accounting Review, 83(1), 61–82.

Godfrey, P. C. (2005). The Relationship between Corporate Philanthropy and Shareholder Wealth: A Risk Management Perspective. Academy of Management Review, Vol. 30, No. 4, 777–798.

Graham, J., Tucker,A. (2006). Tax shelters and corporate debt policy. Journal of financial economics, 81, 563-594.

Gupta, S., & Newberry, K. (1977). Determinants of the variability in corporate effective tax rates: evidence from longitudinal data. Journal of Accounting and Public Policy, 16, 1-34.

Hoi, C., Wu, Q., & Zhang, H. (2013). Is Corporate Social Responsibility (CSR) Associated with Tax Avoidance? Evidence from Irresponsible CSR Activities. The Accounting Review, 88(6), 2025–2059.

Huseynov, F., & Klamm, B. (2012). Tax avoidance, tax management and corporate social responsibility. Journal of Corporate Finance, Vol 18, 804-827.

Jensen., M., Meckling., W. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. jounal of financial Economics, 3, 305-360.

Kim, J. -B., Li, Y., & Zhang, L. (2011). Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm- level ana lysis. Journal of Financial Economics, 100(3), 639–662.

Landry, S., Deslandes, M., & Fortin, A. (2013). Tax Aggressiveness, Corporate Social Responsibility and Ownership Structure. Journal of Accounting, Ethics & Public Policy, Vol. 14, No. 3,

Lanis, R., & Richardson, G. (2013). Corporate social responsibility and tax aggressiveness: A test of legitimacy theory. Accounting Auditing & Accountability Journal, 26(1), 75–100.

Miller, D., Breton-Miller, I. L., & Lester, R. H. (2013). Family firm governance, strategic conformity, and performance: Institutional vs. Strategic perspectives. Organization Science, 24(1), 189–209.

Saleh, M., Zulkifli, N. & Muhamad, R. (2010). Corporate social responsibility disclosure and its relation on institutional ownership. Managerial Auditing Journal, 25(6), 591–613.

Satori, N. (2008). effects of strategic tax behaviors on corporate govermance. university of Michigan.

Sikka, P. (2010). Smoke and Mirrors: Corporate Social Responsibility and Tax Avoidance. Accounting Forum, 34, 153-168.

Watson, L. (2015). Corporate Social Responsibility, Tax Avoidance, and Earnings Performance. Journal of the American Taxation Association, Forthcoming Fall, Vol. 37, No. 2, 1-21.